

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# تمثال مُلك مثالين



انتشارات  
جهاد دانشگاهی  
قزوین



دانشگاه شهروز اسلامی تبریز

سرشناسه: اسکویی، آزیتا، ۱۳۶۱ -  
عنوان و نام پدیدآور: تمثال مُلک مثالین / نگارندگان آزیتا بلالی اسکویی،  
مهدی حمزه‌نژاد، یحیی جمالی.  
مشخصات نشر: قزوین: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد قزوین،  
۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۶۶ص.

شابک: ۹-۷۵۴۹۰۸-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۹-۱۶۶.

موضوع: مدینه فاضله -- دیدگاه فیلسوفان

موضوع: \*Views of philosophers -- Utopias

موضوع: مدینه فاضله -- کشورهای غربی

موضوع: Utopias -- Western contries

شناسه افزوده: حمزه‌نژاد، مهدی، ۱۳۵۴ -

شناسه افزوده: جمالی، یحیی، ۱۳۷۲ -

شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی. سازمان انتشارات. واحد قزوین

شناسه افزوده: Press Organization Jahade Daneshgahi Ghazvin Branch

رده بندی کنگره: HX۸۰۶

رده بندی دیویی: ۳۳۵/۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۲۲۴۰۱

وضعیت رکورد: فیبا

عنوان: تمثال مُلک مثالین  
نگارندگان: آزیتا بلالی اسکویی، مهدی حمزه‌نژاد، یحیی جمالی  
صفحه‌آرایی: مرضیه حمیدی زاده  
طرح روی جلد: سید حسن میررضی (برگرفته از نگاره‌های مطراچی)  
شابک: ۹-۷۵۴۹۰۸-۶۲۲-۹۷۸  
چاپ: نوبت اول - ۱۳۹۹  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
بهاء: ۶۵۰۰۰۰ ریال

مصوبه شورای شعبه انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین

ناشر: انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین

کلیه حقوق محفوظ است ©

# تمثال مُلک مثالین

## نگارندگان:

### آزیتا بلالی اسکویی

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

### مهدی حمزه نژاد

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

### یحیی جمالی

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

«خدای متعال به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین کند، چنانچه پیشینیان آنان را جانشین کرد، و دینشان را که برایشان پسندیده به سودشان استوار و پابرجا نماید و از پی ترسشان امنیت جایگزین کند تا فقط مرا پرستند و چیزی را با من شریک ن سازند»  
(نور ۲۴: ۵۵)

تقدیم به

ساحت مقدس امام عصر ارواحنا فداه  
به امید فرصت حضور در مُلک مثالینش

## فهرست

- پیشگفتار ..... ۱
- مقدمه ..... ۷
- مفهوم و چیستی مدینه فاضله ..... ۱۱
- آرمان شهر و آرمان شهرگرایی در اندیشه سیاسی اسلام ..... ۱۳
- باب اول؛ آرمان شهر در غرب ..... ۱۵**
- ۱-۱- آرمان شهر اخلاقی - اجتماعی افلاطون ..... ۱۷
- ۲-۱- آرمان شهر کمونیستی تامس مور (بیوتوپیا) ..... ۲۰
- ۳-۱- آرمان شهر لیبرالیستی سن ژوست ..... ۲۳
- ۴-۱- دهکده جهانی، شهر آرمانی کلوتس ..... ۲۴
- ۵-۱- جمهوری جهانی، شهر رومانتیک هوگو ..... ۲۶
- ۶-۱- اصالت هنجارها در شهر آرمانی گوارا ..... ۲۸
- ۷-۱- نكوهش مالکیت در شهر مورلی ..... ۲۹
- ۸-۱- زهد در شهر کمونیستی مُنتسکیو ..... ۳۰
- ۹-۱- برابری اجباری، اساس آرمان شهر بابوف ..... ۳۱
- ۱۰-۱- آموزش ملی در شهر کابه ..... ۳۲

- ۱۱-۱- اعتماد مطلق به آموزش، راهگشای آرمان شهرولز..... ۳۳
- ۱۲-۱- شهر آفتاب کامپانلا، متمرکز بر تولید مثل قاعده مند و کیفر بزهکار..... ۳۴
- ۱۳-۱- شهر طبیعی سن ژوست..... ۳۶
- ۱۴-۱- سازمان اجتماعی کار، اساس شهر بلامی..... ۳۷
- ۱۵-۱- آرمان شهری یا ضد آرمان شهر زامیاتین..... ۳۸
- ۱۶-۱- حذف افراد کم ثمر در آرمان شهر ماتریالیستی فونتل..... ۳۹
- ۱۷-۱- آرمان شهر علمی بیکن..... ۴۱
- ۱۸-۱- دل بستگی، مهم ترین اصل آرمان شهر جدا از آرمان شهر فوریه..... ۴۲
- ۱۹-۱- حاکمیت کارگر در شهر سن سیمون..... ۴۴
- ۲۰-۱- آرمان شهر فنلون، در پناه طبیعت..... ۴۵
- ۲۱-۱- شهر پارسایی روبسپیر..... ۴۶
- ۲۲-۱- شهر مه آلود بولیور لیتون..... ۴۸
- ۲۳-۱- حاکمیت جامعه متحد در شهر انگلس..... ۴۹
- ۲۴-۱- وحدت سیاسی در گرو وحدت زبانی در آرمان شهر اورول..... ۵۱
- ۲۵-۱- دولت شهر جاودانه هارینگتون..... ۵۲
- ۲۶-۱- حاکمیت انسان نامیرا بر شهر آرمانی کندورسه..... ۵۴
- ۲۷-۱- بهشت زمینی سن پی یر راهب..... ۵۶
- ۲۸-۱- بهشت باز یافته زولا..... ۵۸
- باب دوم؛ آرمان شهر در جهان اسلام..... ۶۱**
- ۱-۲- جهان شهر سعادت محور فارابی..... ۶۳
- ۲-۲- آرمان شهر عقل و اخلاق ملاصدرا..... ۶۹
- ۳-۲- مدینه عادلّه ابن سینا..... ۷۰
- ۴-۲- قانون مندی پدیده ها در مدینه فاضله خواجه نصیرالدین طوسی..... ۷۳
- ۵-۲- عقل، عرف و شرع، سه رکن شهر خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی..... ۷۸
- ۶-۲- ناکجا آباد مولانا..... ۸۲
- ۷-۲- لامکان اشراقی سهروردی..... ۸۵
- ۸-۲- سیاست اخلاق محور در شهر آرمانی غزالی..... ۸۸



- ۹۱-۲-۹- شهر ناپیدای سپهری .....
- ۹۵-۲-۱۰- پادآرمان شهر صفارزاده .....
- ۱۰۰-۲-۱۱- شهر عشق و داد سعدی .....
- ۱۰۲-۲-۱۲- شهر زیبایی؛ آرمان شهر نظامی گنجوی .....
- ۱۰۳-۲-۱۳- زیبایی مطلق در آرمان شهر جامی .....
- ۱۰۵-۲-۱۴- جاودان شهر آرمانی فردوسی .....

### باب سوم؛ آرمان شهر در عرصهٔ دین .....

- ۱۱۱-۳-۱- آرمان شهر اسلام؛ مدینه النبی .....
- ۱۱۵-۳-۲- بهشت فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم .....
- ۱۱۷-۳-۳- آرمان شهر حضرت مهدی موعود .....
- ۱۲۰-۳-۴- آرمان شهر موعود امام علی (علیه السلام) .....
- ۱۳۰-۳-۵- آرمان شهر رضوی .....

### باب چهارم؛ آرمان شهر در انقلاب اسلامی .....

- ۱۳۷-۴-۱- شهر رسول اللهی و نبوی امام خمینی .....
- ۱۴۵- نتیجه .....
- ۱۴۹- منابع .....



## پیشگفتار

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱) وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲) وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ (۳)

«سوره البلد - آیات ۱ تا ۳»

موضوع آرمان خواهی و تجلی‌گاه فردی و جمعی آن (آرمان شهر)، انگیزه‌ای فطری و منبعث از روح الهی انسان هاست.

آگاهی از بهشت اولیه، نیاز به بهشت زمینی و امید به بهشت موعود با ذات روحانی انسان درآمیخته است. پیام‌آوران الهی فقط یادآوری می‌کنند تا نفس بهیمی با غفلت، زمین‌گیرمان نکند.

انسان هبوط یافته در زمین، مگر می‌تواند به یاد آن روزگاران که در صلح و سلامت ازلی بود، نباشد؟! انسان هبوط یافته در سرزمینی که پست‌ترین است، مگر می‌تواند آرزوی بهشتی را که ابدی است نداشته باشد!؟

مکاتب بشری که با وحی الهی بیگانه هستند، برای پاسخ به این نیاز بنیادی و سرنوشت‌ساز همه انسان‌ها، بارها و بارها قلم فرسوده‌اند و بهشت‌های خیالی و توهمی برای انسان‌ها، خانواده‌ها، اقوام و نژادها طراحی و پیشنهاد کرده‌اند. تجلی‌گاه بهشت‌های خیالی آنها، از خانه‌های مطلوب تا آرمان شهرها، از ابتدای تاریخ تا امروز ارائه شده و خواهد شد.

یکی از آخرین رویکردها که در ایجاد مکاتب بشری و آرمان شهرهای معاصر نقش تعیین‌کننده داشته و دارد، رویکردی است که بعد از قرون وسطی و از دوران رنسانس، در فرهنگ و تمدن غرب، با این شعار کلی آغاز شد که .....

بهشت نسیهٔ قدیسان (کشیشان مسیحی) ارزانی خودشان، ما روشنفکران دوران معاصر از طریق دستاوردهای علوم تجربی و مهندسی، در همین دنیا، برای مردم (بهشت نقد) و (آرمان شهر) خواهیم ساخت.

آنها بهشت موعود و آرمان شهر خود را با علوم تجربی ساختند؛ یعنی تمدن نوگرایی غربی (مدرنیستی)، به قیمت قتل و غارت و برده‌داری و استثمار سایر قاره‌ها و کشورها، به قدرت و ثروت رسید و برای مردم کشورهای خود، به صورت نسبی رفاه و آسایش مادی و پیشرفت صنعتی فراهم کرد.

اما کشورهای توسعه‌یافته صنعتی و پیشرفته، با ایجاد چندین جنگ خانمان برانداز و تمدن‌سوز جهانی در میان خودشان، این بهشت نقد و آرمان شهر را به جهنمی با ده‌ها میلیون کشته و شهرهای ویران تبدیل کرده‌اند.

در کشوری طرف ما نیز، با ایجاد قحطی مصنوعی نیمی از جمعیت ایران را نابود کردند و از طریق شاه مزدوری حقارت‌آمیز را بر این کشور و مردم عزیز آن تحمیل نمودند. این سرنوشت همهٔ مکاتبی است که آرمان شهرهای خود را با معیارهای مادی و بدون ارزش‌های معنوی و الهی طراحی می‌کنند. رویکردهای فرانوگرایی غربی (پسامدرنیسم) نیز که معناگرایی را بریده از وحی الهی برنامه‌ریزی و طراحی کرده و می‌کنند، سرنوشتی بهتر از مادی‌گرایان و دنیاپرستان نداشته و نخواهند داشت.

آرمان شهرهای پسانوگرایی نیز امروز از بحران محیط‌زیست، نبود عدالت اجتماعی، نژادپرستی، غربت و افسردگی انسان‌ها و غیره رنج برده و می‌برند.

فرهنگ اسلامی تکلیف را روشن کرده است؛ مکاتب بشری نمی‌توانند نیازهای روحی انسان‌ها را تبیین و تشریح کنند، سایر مکاتب الهی نیز یا ناقص و یا تحریف شده‌اند؛ بنابراین تنها مکتب اسلام است که عالم و آدم را آن‌گونه که هستند، می‌توانند باشند و باید باشند تبیین و تشریح می‌کند.

از منظر قرآن عزیز، همانا دین حقیقی نزد خداوند، فقط اسلام است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ».

آرمان‌های اسلام قبل از آنکه کالبدی باشد، انسانی است؛ زیرا خداوند زمین و آسمان را برای انسان‌ها آفرید و انسان‌ها را برای تکامل «قربةً إلى الله» و «انا لله و انا اليه راجعون».

و انسان را نه تنها در جبر (آرمان شهرهای کالبدی)، بلکه در جبر (جامعه و تاریخ) نیز قرار نداد و فرمود هویت و ارزش مکان‌ها به انسان‌های آن مکان است (شرف المکان بالمکین).

انسان! در هر کجای تاریخ و در هر کجای جغرافیای جهان که هستی، اگر (راه و راهنما را شناختی و دل دادی)، آرمان خود را یافته‌ای.

چون انسان‌ها زوج آفریده شده‌اند، اگر خانواده‌ای که (راه و راهنما) را شناخته‌اند، حقوق متقابل یکدیگر را رعایت کنند و با مدارا و گذشت و محبت و مسئولیت‌پذیری، تعامل و هم‌افزایی مثبت داشته باشند، آن خانواده و آن خانه که سلول بنیادی جامعه و شهر است، به آرمان وجودی خود رسیده و خواهد رسید.

اگر هر یک از محلات یا شهرها و یا کل جهان (راه و راهنما) را شناخته باشند و حقوق انسانی و شهروندی و همسایگی متقابل را آنچنانکه در حقوق و اخلاق اسلامی به صورت کامل و مبسوط تبیین و تشریح شده است، رعایت کنند، قطعاً آن محلات، آن شهرها و آن جهان، آرمانی خواهند شد.

تصور وضعیت متقابل آن نیز روشن است؛ آن محله، شهر و جهانی که انسان‌ها در آن حقوق یکدیگر را نقض کنند و نسبت به یکدیگر ستم روا دارند، آیا جهنم نخواهد بود؟ آیا آرمان شهرها و بهشت موعود نیز با وجود چنین انسان‌هایی، جهنم نخواهد شد؟

خداوند متعال در سورهٔ بلد این حقیقت تام و این «جامعهٔ آرمانی» را که مبنا و بنیان «آرمان شهر اسلامی» است، چنین توضیح می‌دهد: «قسم به این شهر، که تو در آن اقامت گزیده‌ای و پدر و مادر و فرزندان آنها»

از منظر قرآن شهر یثرب «قریه» است، اما با حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، یعنی وجود وحی الهی و مفسر معصوم آن، می‌شود «مدینه»: پایگاه مدنیت و آرمان شهر اسلامی؛ زیرا اکثریت مردم راه و راهبر را شناخته‌اند و فرمانبردار او شده‌اند.

برای همهٔ شهرها در همهٔ زمان‌ها دو بال کلام الهی و سنت معصومین (سلام الله علیهم اجمعین)، پدر و مادری می‌شوند که در صورت پیروی از آنها شاهد تولد همهٔ آرمان‌های انسانی در نظر و عمل، ایدئال‌ها و مصادیق آنها، ابعاد مادی و معنوی و در (آرمان‌ها) و (شهرها) خواهیم بود. همان گونه که مدینهٔ النبی در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) موجد تمدن عظیم اسلامی شد.

خداوند متعال دو بال «قرآن و عترت» را برای همهٔ انسان‌های جهان، در قالب «مکتب اسلام و امام عصر(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه)» تضمین کرده است. پیروی از آنها در حوزهٔ آزادی و اختیار انسان‌ها و «تعهد و مسئولیت» آنهاست؛ که اگر رعایت نشود (حتی در جمهوری اسلامی ایران) نتیجهٔ آن معماری و شهرسازی کلان‌شهری مانند تهران خواهد بود که خیابان‌ها، بزرگراه‌ها و آسمان‌خراش‌های متعلق به «قدرت و ثروت» آن به ظاهر زیباتر شده، اما خانه‌ها، محلات، پیاده‌راه‌ها و مراکز فرهنگی-هنری و مساجد و زیارتگاه‌های آن را مطرود و منزوی کرده‌اند. زیرا خودآگاه یا ناخودآگاه، آرامش و امنیت مادی و معنوی ما را به رویکردهای جاهلیت مدرن غربی، یعنی تمدن «لیبرال سرمایه‌داری غربی» سپرده‌اند.

هر دو وجه مهندسی و هنری اسلامی در شهرسازی؛ یعنی «رعایت دستاوردهای علوم تجربی و مهندسی» نظیراستانداردها در معماری و سرانه‌ها در شهرسازی را که قبل از نظام جمهوری اسلامی نیز کاملاً نادیده گرفته می‌شد، همچنان نادیده می‌گیرند.

از بُعد معنوی و هنری نیز (مفاهیم زیبایی‌شناسی، حکمت اسلامی در هنر و اصول موجود در سنت معماری و شهرسازی اسلامی) که فرازمانی و فرامکانی است، همچنان نادیده گرفته می‌شود. نتایج این بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی نسبت به فرهنگ و سنت معماری و شهرسازی، در سطوح آموزشی، پژوهشی، وضع قوانین و ضوابط، برنامه‌ریزان، کارشناسان، طراحان، مهندسان مشاور و پیمانکاران که ناشی از جاهلیت مدرن غربی در فرهنگ و هنر است، روشن‌تر از آن است که به توضیح مکرر نیاز داشته باشد.

رهبر فرزانهٔ انقلاب از سال‌ها پیش شورای عالی انقلاب فرهنگی را ترغیب کرده‌اند که برای پرهیز از ترجمهٔ رویکردهای غربی و تقلید از آنها، کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و نوآوری برپا کنند؛ همچنین به شورای عالی تحول و ارتقای علوم انسانی پیشنهاد کرده‌اند که در راستای اصلاح سرفصل و محتوای دروس و ارتقای بنیادی آموزش و پژوهش کشور، مبتنی بر هویت «اسلامی-ایرانی» و ایجاد «تمدن نوین اسلامی» تلاش کنند.

در نهایت توصیه و تأکید ایشان بر اجتهاد پویای تخصصی و فقه حکومتی، مبتنی بر مهم‌ترین نیازهای عصر در همهٔ رشته‌های علمی کاربردی و اقدامات بنیادی در حوزه و دانشگاه آغاز شده و ادامه یافته است؛ اما هنوز آثار آن را در مراکز دانشگاهی، قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی، مدیریتی و اجرایی و به خصوص در قوهٔ مجریه به صورت بارز و کارساز نمی‌بینیم.

ماحصل گفتار آنکه از منظر اسلامی این انسان آرمانی است که خانواده آرمانی، شهروند آرمانی و آرمان شهر را در سطوح خانه و محله و شهر و سپس جهان ایجاد کرده و تجلی می‌بخشد؛ البته با تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به دو بال تضمین‌شده الهی، یعنی «قرآن و سنت معصومین (سل ام‌الله علیهم اجمعین)» در نظر، عمل و سبک زندگی مبتنی بر حقوق و اخلاق اسلامی به صورت متقابل، از طرف مردم و کارگزاران نظام.

بدین وسیله از محققان ارزشمند این کتاب که موضوع بسیار مهم (آرمان شهر) را در مسیری تاریخی توصیفی و تطبیقی تحلیلی بررسی کرده و به سهم خود، دیدگاه اسلام و دانشمندان اسلامی را برای دانش‌پژوهان، تبیین و تشریح کرده‌اند، سپاسگزاری و قدردانی می‌کنیم. این مسیری است که باید در حوزه و دانشگاه به صورت جدی تداوم یابد تا فرهنگ تمدن‌ساز اسلامی قابلیت‌ها و شایستگی‌های خود را برای اصلاح رویکردهای جهانی و جاهلیت مدرن و «بت‌سازان و بت‌پرستان معاصر»، در عرصه نظر و عمل فعلیت بخشد.

با آرزوی توفیق و تأیید الهی برای همه مجاهدانی که در راستای تحقق «امت اسلامی» و تجلی آن در «آرمان شهر اسلامی» تلاش و مجاهدت می‌کنند.

او خانه همی جوید و من صاحب خانه  
مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه  
شیخ بهایی

من یار همی جویم و او جلوه‌گه یار  
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو

و من الله توفیق  
عبد الحمید نقره‌کار  
۱۳ مهر ۱۳۹۹





## مقدمه

آرمان شهر یا مدینه فاضله، جامعه‌ای است که در آنجا زندگانی مردم روبه‌کمال و قرین‌رستگاری است. جایی است که تصویر آن در افق آرزوی آدمی همواره نمونه خیرترین و زیبایی و کامیابی است. آدمی در درازنای تاریخ همواره آرزومند دستیابی به جامعه‌ای بوده که در آن دلخواسته‌هایش را تحقق بخشد، در فضای بایسته‌اش استعدادهای خود را از قوه به فعل آورد و کمال معنوی را با آرامش روحی و بی‌نیازی مادی درآمیزد. اما بیان این آرزو، برحسب زمان و مکان، جلوه‌ها داشته و به مقتضای پیشرفت عقل و تجربه آدمی و به تناسب شناخت او از جهان پیرامونش رنگ‌ها پذیرفته است.

آرمان شهر، همان طور که در نگاه اول از آن استنباط می‌شود، به معنای شهر آرمانی و ایدئال است و در اصطلاح، جامعه‌ای برتر و رؤیایی است که در آن همه امور بروفوق مراد و مطابق میل باشد. در فرهنگ لغت معین آمده است: «جامعه خیالی و آرمانی که در آن نظام کاملی برای سعادت نوع بشر حکم فرماست و از هرگونه شر و بدی، از قبیل فقر و بدبختی عاری است و افرادش به کمال علمی و عملی رسیده و از هوا و هوس رسته‌اند». (معین، ۱۳۷۲: ۴۵)

در گذر تاریخ، بشر سال‌ها گرفتار اساطیر بود. هنگامی که ذهن آدمی از بند اسطوره‌ها رست و آرزوها در پرتو خرد و دانش، دست‌یافتنی شد؛ تصور آرمان شهر از دیار اسطوره‌ها به قلمرو خرد آمد و آدمی سعادت فردی و اجتماعی را در طرح‌های اندیشیده‌ای جست که هم بازگوینده آرمان‌های او بود و هم نظام‌های حاکم را به محک آنها می‌سنجید.

ساخت «آرمان شهر» به منزله «رؤیایی برای زندگی بهتر»، یکی از شیوه‌های «اهلی کردن» جهان به شمار می‌آید. تمام ادیان الهی جهانی بهتر را وعده می‌دهند، اما امروزه علی‌رغم تمام مدعیان، تنها اندیشه اصیل و دور از تحریف آسمانی از عهده عملی کردن این وعده، آن هم بر پایه‌ای مادی در همین جهان بر می‌آید. انبوه پیشنهادهای پیش رو در زیربنایی‌ترین اهداف لایه‌ها، در تعریف خشت اول خطایی دارند که اساس نظریه را در بسیاری بخش‌ها لرزان می‌کند. آنچه جامعه آرمانی اسلامی را از سایر جوامعی که در طول تاریخ بشری پدیدار شده‌اند و خواهند شد، متمایز و ممتاز می‌سازد، جامعیت و خاتمیت در حکمت نظری و عملی الهی آن است. در متون دینی وعده‌ای برای پیروی از مستضعفان و تحقق جامعه معنوی و متعالی دیده می‌شود.

متفکران شرق و غرب، هریک با تمسک به زیربنای فکری خاص خویش، در صدد ترسیم جامعه آرمانی خود برآمده‌اند. فیلسوفان جدید عقل‌گرا، صرفاً با عقل خود تلاش می‌کنند تصویر چنین جامعه‌ای را ترسیم کنند. در پرتو همین دیدگاه خردگراست که به بیان خصوصیات آرمان شهرشان می‌پردازند. خصوصیات اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و غیره آرمان شهر غربی، با تمسک به همین دیدگاه است که به مخاطب عرضه می‌شود.

متفکران دینی، آرمان شهر را در پرتو اخلاق تعریف می‌کنند و انسان آرمانی آنها، انسانی اخلاقی (اخلاقی از جنس الهی و خدامحوری و دارای زاویه با مبادی اخلاقی انسان‌گرا در اندیشه غربی) است. این فیلسوفان، حتی حوزه سیاست و اقتصاد را هم در پرتو اخلاق و در قالب نظام فقه و حقوق حاکم بر جامعه که ریشه در اخلاق الهی دارد، مشخص می‌کنند.

بین نظریات آرمان شهری در دنیا، در بُعد مفاهیم اساسی آرمان شهرشان تفاوت چندانی وجود ندارد. فی‌المثل بسیاری از نظریه پردازان غربی قائل به عدالت در تحقق آرمان شهرشان هستند که در بخش زیادی از نظریات مسلمانان نیز این‌گونه است. منشأ تفاوت میان این دو نوع نگرش را می‌توان در چند بخش جست‌وجو کرد. این بخش‌ها شامل طیفی است که نقطه آغاز آن قبل از شکل‌گیری اندیشه آرمان شهری است و پایان آن نیز به بعد از تشکیل آرمان شهر منتهی می‌شود. موردی که پیش از تشکیل اندیشه آرمان شهری می‌تواند بستر بروز تفاوت‌ها باشد، بحث پیرامون چرایی شکل‌گیری آرمان شهر است. در واقع هدف از شکل‌گیری آرمان شهر چیست؟ آیا هدف مادی است یا در مطالبه امری فرامادی است؟ مورد دیگری که می‌تواند منشأ اختلاف باشد، چگونگی دست‌یافتن به آرمان مورد نظر است و اینکه آیا از هر طریقی می‌توان به هدف مورد بحث رسید. موضع بعدی، پس از تحقق آرمان شهر است؛ گروهی حتی تحقق آن را تاب نمی‌آورند، دسته‌ای تحقق آرمان شهر را نقطه پایانی بر آمالشان می‌پندارند و گروهی تحقق آن را بستری برای تحقق امری والا تر می‌دانند.

بهره‌مندی از نظریهٔ آرمان‌شهر در شهرسازی، به عنوان تعریف دقیق مبانی انسانی شهر و افق‌نهایی که شهروندان به دنبال دستیابی به آن هستند، قابل توجه است.

تاریخ زندگی بشری گواه آن است که نیل به سعادت فردی و اجتماعی و جامعه‌ای عاری از کاستی، همواره ذهن اندیشمندان و فلاسفه را به خود مشغول داشته و با تولد اندیشه در انسان همراه بوده است. چنین انسانی در آرزوی داشتن جامعه‌ای عاری از پلیدی، خشونت و خودخواهی‌ها و همراه با رفاه و آسایش، همواره در تکاپو بوده و چاره‌ها اندیشیده است، زیرا آدمی همواره مقهور امیال خودخواهانهٔ خود بوده و این امر، دورانی تیره و فلاکت‌بار را برای او به ارمغان آورده است. لذا با ساختن جامعه‌ای بسامان، جایگزین مناسبی برای وضعیت فعلی خویش فراهم می‌آورد.

از افلاطون یونانی در کتاب جمهوریت، توماس مور در کتاب یوتوپیا، فرانسیس بیکن در کتاب آتلانتیس، کامپلانا در کتاب شهرآفتاب، جیمز هرینگتون در کتاب اوسئانیای، ولتر در کتاب شهرزرین، اتین کابه در کتاب سفر به ایکاری تا مارکس در مغرب‌زمین همگی کوشیده‌اند شهری ایدئال یا همان آرمان‌شهر مطلوبشان را توصیف کنند. کسانی چون فارابی، خواجه نصیر، سه‌روردی، ابن‌خلدون و غیره سخنان حکمای غرب را خوانده و شرح داده‌اند، ولی از تعبیر آرمان‌شهر پرهیز داشته و تعابیری همچون شهر فضیلت، دانش‌شهر، شهر حکمت و اخلاق و غیره را که در تعابیر دینی بیان شده، نقل کرده‌اند. تعبیر آرمان‌شهر حتی در سخن بزرگان اسلامی معاصر همچون امام خمینی و مقام معظم رهبری هم طنین بالایی ندارد و تعابیر محتاط‌تر دینی رواج بیشتری دارد.

تحقق عدالت، دستیابی به حقیقت، طرح جامعهٔ آرمانی، مفاهیم خیر و شر، برابری و برادری، مفاهیم عقلانی، شیوه‌های رستگاری آدمیان، مشخصات حکمران و حاکم آرمان‌شهر، تحقق بهشت این جهانی و غیره، همگی در اندیشه‌های آرمان‌ورزانهٔ اندیشمندان آرمان‌شهر ذکر شده است.

تصویری که این اندیشمندان از شهر آرمانی ارائه می‌کنند، برحسب مواضع سیاسی، مذهبی، ایدئولوژیکی و فرهنگی عصر خودشان بوده است. گاه آرمان‌شهر در اساطیر عصر زرین گذشته جست‌وجو شده و گاه به صورت بازآفرینی‌ای تخیلی، تکنولوژیکی و ایدئولوژیکی در آینده درآمده است. گاه در افسانه‌ها، اساطیر و افتخارات ملی گذشته جست‌وجو شده و گاه در محک بازگویی آرمان‌های نظام‌های حاکم و گاه در یادآوری انتظار فرج و در دستیابی به آینده‌ای موعود برای ضعفا و محرومان زمین، ترسیم شده است.

پژوهش حاضر فرضیه‌ای را در تبیین آرمان شهرهای اسلامی و ایرانی و غربی دنبال می‌کند که بر مبنای آن، آرمان شهر در اندیشهٔ اسلام، با تعبیر دسترس پذیرتر شهر کمال و سعادت و عدالت و فضیلت و غیره، ماهیتی دینی و توأمان آسمانی و زمینی و بدون رؤیایپردازی موهوم دارد. در مقابل در اندیشهٔ ایران باستان، ماهیتی اسطوره‌ای، رازآمیز، رؤیایی و البته قابل تحقق داشت که برخلاف الگوی اسلامی، کمتر ریشه در واقعیت دارد، بلکه واقعیت را به الگوی آرمانی آسمانی مدنظر خویش نزدیک می‌کند؛ در غرب نیز بیشتر ماهیتی زمینی و برگرفته از خرد و تعقل فلسفی دارد. در این تحقیق به دنبال وجوه تشابه و تمایز نظریهٔ آرمان شهری در اندیشهٔ سیاسی اسلام، ایران و غرب هستیم تا در پرتو آن، در نظریه‌های توسعهٔ محیطی معاصر، مبنای صحیح‌تری را دنبال کنیم.

## مفهوم و چیستی مدینه فاضله

یکی از آرزوهای دیرینه بشر، دستیابی به نوعی از شیوه زیست بوده که زندگی او را با بهروزی و کامیابی قرین سازد و در طول تاریخ راه‌های تحقق این آرزو را بررسی کرده است. آرمان شهر، مدینه فاضله، جامعه توحیدی یا یوتوپیا جامعه‌ای است آرمانی که در آنجا زندگانی مردم، کامل و قرین رستگاری است.

مفهوم یوتوپیا<sup>۱</sup> پیچیدگی و دشواری خاصی دارد؛ چنانکه نظریه پردازان و نگارندگان یوتوپیا نتوانسته‌اند به تعریف مشترکی از آن دست یابند. واژه یوتوپیا برگرفته از واژه یونانی «توپوس»<sup>۲</sup> به معنای مکان است. نظریه پردازان با افزودن حرف نفی «او» مفهومی منفی از آن ساخته‌اند که خوبستان، هیچستان، بهترین مکان یا لامکان و یا به گفته شیخ اشراق، شهاب‌الدین سهروردی، ناکجاآباد معنا می‌دهد (سهروردی، ۱۳۸۰: ۲۱۱).

توماس مور<sup>۳</sup> در سال ۱۵۱۶ م در کتابی این تعریف را به کار برد. یوتوپیا با نفی توپیا (مکان)، درصد تغییر آن است. یوتوپیاها، نه تنها متنوعند که در بسیاری جهات با یکدیگر متضاد نیز هستند. برخی از آنها ستایشگر پرهیزکاری‌اند و برخی دوست‌دار لذت‌جویی. از همین رو، کریستیان گودن<sup>۴</sup>، در کتاب «آیا باید از یوتوپیا اعاده حیثیت کرد» چهار دسته یوتوپیا را نام می‌برد:

1 - Utopia

2 - Topos

3 - Thomas More

4 - Christian Godin

- ۱- یوتوپای آزادی که وضعیت ایدئال را ترسیم می‌کند؛
- ۲- یوتوپای با سنت مردمی و انقلابی از سنخ همان یوتوپای توماس مور؛
- ۳- یوتوپای نظم که وضعیت دولت ایدئال را ترسیم می‌کند؛
- ۴- یوتوپای نهادینه و تمامیت ساز که خود را از پیروان سنت شهر خورشید کامپانلا می‌داند (گودن، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۴).

البته لازم به ذکر است که در قرون اخیر گونه‌ای از تفکر آرمان شهری سکولار به نام مارکسیسم رواج یافته است. آرمان شهری که نتیجه آن جامعه‌ای آزاد از طبقات و مذهب است. مفهومی که سیاست‌مدارانی چون لنین، استالین، رهبران چین، کوبا و کره از آن بهره‌برداری کردند و بدین صورت سیاست‌های مارکس به سمت نوعی یوتوپایی شدن حرکت کرد و بعدها در قالب کمونیسم و سوسیالیسم شکل‌های مختلفی به خود گرفت، چنین برداشتی در پی توجه به ارزش‌های مادی و زمینی است.

حاصل آنکه، برخی از ویژگی‌های یوتوپیاها را می‌توان این گونه برشمرد:

- ۱- یوتوپیا طرحی ذهنی و تصویری ایدئال از دنیایی به نسبت بهتر است؛
- ۲- یوتوپیا عدالت را شالوده‌آسای حکومت خود می‌داند. در حقیقت، ایده آرمان شهرگرایی، از عمق وجود یک فیلسوف به عنوان نگرشی فطری به عدالت برمی‌خیزد؛
- ۳- یوتوپیا از سویی از واقعیت‌های موجود انتقاد می‌کند و از سوی دیگر، برای توصیف جامعه‌ای مطلوب وضع شده که در واقعیت وجود ندارد؛
- ۴- یوتوپیا می‌خواهد فرد را با جامعه و همگان متحد ساخته و سازش دهد و از این روی مدنیت طبیعی و رابطه‌تعاون میان انواع انسانی از شالوده‌های آرمان شهر است؛
- ۵- یوتوپیا از مرزهای زمان و مکان می‌گذرد و جایگاه آن تخیلی است؛
- ۶- جرقه‌ی پیدایش یوتوپیا در بحران‌ها زده می‌شود؛
- ۷- صلح، آسایش و رفاه از ویژگی‌های مثبت یوتوپیا به شمار می‌آیند؛
- ۸- بیشتر یوتوپیااندیشان، افرادی گوشه‌گیر و ناسازگار بوده‌اند؛
- ۹- توجه به دانایی و فرمانروایی از ویژگی‌های غالب آرمان شهرهاست. کسانی همانند فارابی، افلاطون و فرانسیس بیکن بر آن بودند که باید حکیم، حاکم و یا حاکم، حکیم باشد.

کامپلانا جامعه‌ای سوسیالیستی را به تصویر می‌کشد که کشیشان و روشنفکران، رهبران آن هستند. آگوستین معتقد است اراده الهی در بدو خلقت چنین بود که هیچ انسانی بر انسان دیگر حکومت نکند، بلکه حاکم علی‌الاطلاق، خدا باشد و انسان‌ها در طول حاکمیت خدا باشند. پس جامعه‌ای سعادت‌مند است که تحت نظارت و رهبری کلیسا و روحانیون باشد و بهتر و راحت‌تر همین است که مردان خدا ترس که از قوانین و اوامر الهی تبعیت می‌کنند، همیشه در رأس امپراتوری‌ها باشند و این ستم‌ها را نه به خاطر خود که به خاطر مردمانی که به آنها حکومت می‌کنند، بپذیرند (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۳).

### آرمان شهر و آرمان شهرگرایی در اندیشه سیاسی اسلام

اندیشه آرمان شهر (پیدایش و خلق شهری آرمانی) در تمام مکتب‌ها و اندیشه‌ها به نوعی موجود است. در این میان دین اسلام، به سبب رویکردهای خاص توحیدنگر و ویژگی‌های خاص خود، صفات مشخصی را برای آرمان شهر مطلوب خود خواهان است.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که همواره در دین اسلام مطرح شده، مسئله آخرالزمان، ظهور منجی موعود و تشکیل حکومت آرمانی در آن زمان است که از امور مسلم و بدیهی نزد تمام مسلمین به شمار می‌رود.

آرمان شهر یا حکومت مهدوی به اعتقاد مسلمانان در موعد مقرر تحقق خواهد یافت و اندیشه انتظار که از مستحکم‌ترین عوامل پیشرفت مسلمین (خاصه شیعیان) است، از همین مفهوم سرچشمه می‌گیرد؛ اندیشه‌ای که بعد از دوران غیبت کبری امام دوازدهم شیعیان، حضرت حجة ابن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه)، شروع شده، هنوز ادامه دارد و روز به روز محکم‌تر می‌شود.

در نظر شیعه، تاریخ بشری، فرجامی خجسته دارد و با ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه) کار جهان بسامان می‌شود و آدمی به رستگاری دست می‌یابد.

علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: با اینکه شیطان از خدا تا قیامت مهلت می‌خواهد، اما مهلت الهی تا وقت معلوم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۲۳۳).

بر اساس آیه ۳۸-۳۶ سوره حجر، دورانی می‌آید که زمان خوش دنیاست و آن روز دیگر شیطان بر انسان‌ها حاکمیت ندارد و مدینه فاضله تحقق می‌یابد و در آن موقع، همه وعده‌های مربوط به امام

زمان وفا می‌شود. در اعتقاد مسلمانان، آن زمان جامعه اسلامی در سراسردنیا پایه ریزی می‌گردد. زمانی که او ظهور می‌کند، دنیا آکنده از بی‌عدالتی، جنگ و خونریزی است که با ظهور ایشان، انسان‌های پرهیزگار وارث زمین می‌گردند و آنانند که سعی در ترویج آرامش و امنیت در بین تمام انسان‌های دنیا می‌کنند. قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۴۰ می‌فرماید: «و ما به نوبت این روزها را برای مردمان خواهیم آورد».

قرآن به‌عنوان کتاب مقدس مسلمانان از سوی خدا بیانگر این امر است که اسلام سراسردنیا را فرا می‌گیرد و اسلام حقیقی با ظهور امام زمان و هدایت ایشان در همه جا پیروز می‌گردد (انبیاء، ۱۸؛ رعد، ۱۷). در این زمان بدی‌ها، سختی‌ها و دشمنی‌ها از بین رفته و مدینه فاضله تحقق می‌یابد. دوره‌ای که قرآن و احادیث شیعه به آن اشاره کرده و آن را دوره تکامل انسان می‌داند، زیرا از همه جهات، انسان به کمال می‌رسد و چنین گرایشی، به مفهوم امید به آینده‌ای درخشان توأم با عدالت اجتماعی، در جوهر اعتقادات شیعه نهفته است و این آرمان‌شهر دارای صفات و ویژگی‌های منحصر به فردی در اندیشه اسلامی است.

آرمان‌شهر اسلامی، شهر عدالت، شهر طهارت و پاکی، شهر ذکر و تذکر، شهر اصلاح، شهر شکر، شهر امن و شهر تحقق شأن واقعی انسان در مقام خلیفه الهی است. اسلام در عین تذکر بر آدمی در هجران از دارالقرار واقعی و بهشت موعود، وعده تحقق حتمی آرمان‌شهری را ارائه می‌دهد که صورت کالبدی آن در سیطره دولت امام دوازدهم حضرت بقیة الله مهدی موعود (علیه السلام)، نمود عینی خواهد پذیرفت.

جهان شمولی، بهره‌گیری از تمامی قابلیت‌ها و قدرت‌ها و نیروهای مادی و معنوی، تکامل شگرف علوم، اتصال آرمان‌شهر اسلامی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه)، به عوالم بالا و عالم شهود و غیب، از برجسته‌ترین صفات و ویژگی‌های آرمان‌شهر اسلامی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) است.



باب اول؛

آرمان شهر در غرب



## ۱-۱- آرمان شهر اخلاقی - اجتماعی افلاطون

افلاطون اولین فیلسوف از دنیای باستان است که به طرح جامعه‌ای با اصول و قواعدی خاص که در فلسفه خودش بر آن‌ها تأکید دارد، اقدام کرد. وی نخستین متفکری بود که اندیشه آرمانی را بر برهان عقلی استوار کرد. کتاب جمهوری او با بحث درباره مفهوم درست عدالت آغاز می‌شود، در روندی منطقی به شیوه همپرسگی (دیالوگ) به پیش می‌رود، و در جست‌وجو برای شناخت عدالت راستین، جامعه‌ای آرمانی را طرح می‌افکند. (اصیل، ۱۳۷۱: ۱۸)

افلاطون با توجه به این نوع تفکر، اخلاق را وارد فلسفه سیاسی خود می‌کند و معتقد است که جامعه آرمانی وی، اصولاً باید ارتباط نزدیکی با اخلاق داشته باشد و فرض جامعه‌ای آرمانی که اخلاق در آن حرفی برای گفتن نداشته باشد، محال است. فرد با جامعه معنا پیدا می‌کند و سعادت و نیکبختی وی در گرو سعادت جامعه قرار می‌گیرد. به تعبیر بهتر، اخلاق فردی در گرو اخلاق جمع (کشور) معنی دارد، چون از این راه می‌توان عدالت و سعادت را بهتر تشخیص داد و برای آن ملاک تعیین کرد. او با توجه به این اصل که انسان‌ها هیچ‌گاه در تاریخ و زندگی بی‌نیاز از هم نیستند و به نیاز انسان‌ها تنها در یک دولت شهر پاسخ داده می‌شود.

عدالت را باید هسته اصلی تفکر سیاسی افلاطون قلمداد کرد، چون شالوده جامعه آرمانیش و مدینه فاضله‌ای را که مدنظر دارد، بر این هسته اصلی استوار می‌کند. چنانکه کسی در آثار سیاسی افلاطون تأمل کند، پی به این مهم خواهد برد که سیاست، ارائه طرح منسجمی از یک سامان سیاسی، نظم و ترتیب دادن به یک جامعه، نحوه اداره جامعه آرمانی و ارتباط اداره جامعه

با نحوهٔ تعلیم و تربیت نخبگان یا اداره‌کنندگان جامعه، از مهم‌ترین دغدغه‌های افلاطون از شکل دادن به آرمان‌شهر می‌باشد. وی در بلندترین جایگاه جامعهٔ آرمانی خود، فیلسوف-شاه را می‌بیند، فیلسوف-شاهی که مزین به صفات فضیلت و تقوا می‌باشد و مُثُل با عالم‌اعلی را بهتر از هرکس دیگری درمی‌یابد. (همان: ۱۳)

عدالت اجتماعی از دیدگاه افلاطون این است که هرارگان وظایف خود را در نیک‌شهر در هماهنگی کامل با دیگران انجام دهد. از اینجا می‌توان دریافت که عدالت برای افلاطون حالت محوری دارد و با مفاهیمی همچون حکومت خوب، فضیلت، خویشتن‌داری، خرد و شجاعت در ارتباط است.

مدینهٔ فاضله افلاطون یک شهر رؤیایی نیست و اگر خود افلاطون تردید دارد که چنین مدینه‌ای بوجود آید، این تردید را نباید به آن معنی تلقی کرد که وی اندیشه و باور خود را کم ارزش می‌داند یا آن را صرف وهم می‌انگارد. مدینهٔ فاضله افلاطون، اتوپیا نیست اما آبشخور مدینه‌های فاضله و آرمان‌شهرهای پس از اوست و بر تمامی آنها اثرگذارده است. مدینهٔ فاضلهٔ افلاطون (و با تسامح) آرمان‌شهر او در سه کتاب «جمهوری»، «سیاست» و «نوامیس» طرح‌ریزی شده است. وی معتقد است که مدینه باید تجسم و تجسد عدالت باشد تا اینکه سازنده شهروندان عادل گردد (شاه‌سنی، ۱۳۷۷: ۳۲).

وی پس از طرح جامعه ایدئال خود، جامعه آن زمان آتن را به باد سخره می‌گیرد. وی معتقد است: «در آتن، به مردم یاد می‌دهند که چطور دروغ بگویند و از تعلیم تقوا خبری نیست.» وی نخستین مبنای تعلیم و تربیت را اصلاح عقاید مذهبی و بوجود آوردن مفهوم متعالی از پروردگار می‌داند. در نهایت، آرمان‌شهر واقعی از دید افلاطون جامعه‌ای است که در آن عقل و خرد در رأس حکومت باشد. وی همچنین، جوامع منحرف شده را هم مشخص می‌کند. جوامعی که به علت نبودن خرد در رأس امور، سیر سقوط را می‌پیمایند: ۱) جامعه تیموکراتی که در آن شرف و شجاعت حاکم است، ۲) جامعه اُلیگارشی<sup>۱</sup> که طمع و آز به مردم آن حکومت می‌کند، ۳) جامعه دموکراسی (میلانی بناب، ۱۳۸۱: ۱۴). عجیب است که آنچه افلاطون به عنوان ضد ارزش‌های غیر انسانی نام می‌برد امروزه جزء ارزش‌های ناب معاصر تلقی می‌گردد.

افلاطون عقیده دارد که صفات و محسنات اصلی فرد و جامعه چهار صفت است که عبارتند از: حکمت، شجاعت، خویشتن‌داری و عدالت.

۱- در حکومت اُلیگارشی گروهی اندک به سود خویش، فرمانروایی اکثریت مردم را بر عهده دارند.

الف) نخستین چیزی که مشاهده می‌شود «حکمت» است. این صفت از علم سرچشمه می‌گیرد نه از جهل. این علم غیر از علم نجاری و کشاورزی است که افراد معدودی این علم را دارا می‌باشند و موضوع آن بحث دربارهٔ یک چیز معین نیست بلکه دربارهٔ شهر به طور مجموع است و هدف این است که سازمان داخلی و روابط شهر با شهرهای دیگر به بهترین وجه اداره شود.

ب) شجاعت؛ در سربازان یافت می‌شود و شهر صفت شجاعت را مرهون جزئی از خود می‌باشد که کار آن همواره محافظت از عقیده عمومی نسبت به آن چیزهایی است که همه مردم باید از آن دوری کنند و این عقیده را قانون، با شیوه و روش تربیت ایجاد می‌کند.

ج) خویشتن‌داری؛ یک نوع نظم و تسلط بر لذات و شهوات است که در اصطلاح گویند: فلانی مالک نفس خویش است و نفس انسان دو جزء دارد: جزء بهتر و جزء بدتر. هرگاه جزء بهتر بر جزء بدتر مسلط شود، دیگران از باب مدح و ستایش او را مالک نفس خویش می‌خوانند. برعکس هرگاه در نتیجه تربیت بد یا یک نوع معاشرت، جزء بهتر نفس انسان، مغلوب و مقهور قوه بد گردد، دیگران از سرسرنش و نکوهش می‌گویند او بنده نفس خویش و فاقد خویشتن‌داری است.

د) عدالت؛ آخرین صفتی که فضیلت شهر را تکمیل می‌کند «عدالت» است. (افلاطون، ۱۳۴۸: ۲۳۵)

به عقیده افلاطون کمال مطلوب از نظر اخلاق فردی، عدل است؛ از نظر اداره امور جامعه، زمامداری فلاسفه است؛ از نظر تهذیب روح، هماهنگی بین اجزای سه‌گانه نفس است؛ از نظر روش علمی، وحدت انواع دانستنی‌هاست؛ از نظر موضوع علم، خیر مطلق و مجرد است.

افلاطون چنین نتیجه‌گیری می‌کند که این جزء، در عرض سایر جزءها نیست، بلکه صفتی است به وجود آورندهٔ صفت‌ها و فضیلت‌های دیگر و مادام که با آن‌ها توأم باشد، وسیله ابقا و محافظت آن‌ها و مؤثرترین ضامن فضیلت شهر است، که در پرتو آن، اطفال و زنان و بردگان و مردان آزاد و پیشه‌وران و افراد حاکم و محکوم، هریک کار خود را انجام داده و در کار دیگران دخالت نمی‌کنند. پس «عدل» یا «عدالت» در شهر، این است که هر صاحب استعدادی و هر طبقه‌ای فقط کار و وظیفه مخصوص خود را انجام دهد و در واقع هر چیزی سر جای خودش قرار گرفته باشد.

افلاطون نسبت میان فضیلت‌های چهارگانه با شهر را درست همانند نسبت این فضیلت‌ها با وجود فرد می‌داند. یعنی امر فضایل در شهر و فرد و کیفیت عدالت در هر دو یکسان است و این وجه مناسب قوه‌ها و نیروهایی است که در فرد و جامعه وجود دارند.

شهر آنگاه زیبا و جامعه آنگاه مطلوب است که خرد بر آن حاکم باشد و خرد نزد فیلسوفان است. پس حکومت مطلوب، حکومت فیلسوفان و خردمندان است. (خاتمی، ۱۳۷۶: ۵۸-۵۷)

## ۱-۲- آرمان شهر کمونیستی تامس مور (یوتوپیا)<sup>۱</sup>

یوتوپیا واژه‌ای است یونانی که ساخته تامس مور است، از ریشهٔ ou-topos به معنای «هیچستان» که کنایه‌ای طنزآمیز از eu-topos «خوبستان» در آن است. این نام، سرانجام از راه کتاب وی، جهانگیر شد و در سده‌های بعد سرسلسلهٔ آثار بسیاری در اروپا دربارهٔ جامعهٔ آرمانی و ساخت سازمان آن شد.

سده‌های پانزدهم و شانزدهم اروپای قرون وسطایی با دو جنبش نوزایش (رنسانس) و دین‌پیرایی (رفورماسیون) و فضای شور و دگرگونی و همچنین نگرانی و بی‌سامانی، سنت اندیشه دربارهٔ دولت‌های آرمانی را از نوزنده کرد. به‌ویژه تامس مور کتاب یوتوپیا را در همین دوران نوشت که نام آن بر تمامی این سنت نهاده شد.

مور در یوتوپیا همه کوشش خود را بکار برد تا به آن جامعه خیالی سیمایی اصیل ببخشد. مهم‌ترین وجه جامعهٔ یوتوپیا کمونیسم، نبودن مالکیت خصوصی در آن است. و به همین مناسبت کارل کائوتسکی<sup>۲</sup>، مور را پیشرو اندیشه کمونیسم شمرده است. اما جامعه کمونیستی اورنگ‌ورویی دینی نیز دارد و برخلاف بسیاری از یوتوپیا‌های کمونیستی پیش از خود، خانواده را اساس جامعه قرار می‌دهد. خانوادهٔ تک همسری، پدسالارانه، گسترده و تولیدگر، سنگ بنای هرم اجتماعی یوتوپیاست (مور، ۱۳۶۱: ۲۱-۱۹).

کمال مدنظر مور، نخست در امنیت جای دارد که آرمان‌شهر از آن برخوردار است و جزیره‌ای بودنش آن را در برابر خطرهای بیرونی حفظ می‌کند (این جزیره‌ای بودن بار دیگر حول شهرهایی با دژهای نفوذناپذیر ایجاد می‌شود). دومین جنبه کمال در همسانی (اشخاص) است که ارتباطی تنگاتنگ با امنیت دارد، زیرا در این مورد نیز مانند مورد قبل غلبه بر ترس و احساس ناامنی، ناشی از تفاوت مورد نظر است. بنابراین آرمان‌شهر حاکمیت «همسانی» است که مظهر آن به‌ویژه یک شکلی در همه چیز؛ یعنی در زبان، آداب و رسوم، قوانین، و نیز مسلماً در شهرها و خانه‌ها و باغ‌هاست.

۱- یوتوپیا واژه‌ای است یونانی که تامس مور آن را ساخته است، از ریشهٔ ou-topos به معنای «هیچستان». (آشوری، ۱۳۶۱،

ص ۱۶)